



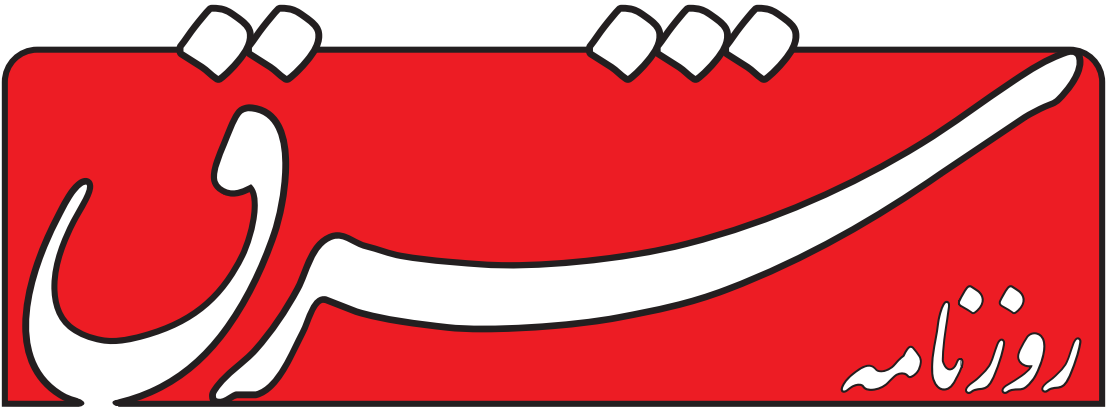
دربی درگذشت همشیره رئیس جمهور

## تسلیت مقام معظم رهبری به رئیس جمهوری

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری در پیامی درگذشت همشیره مکرمه آقای روحانی، رئیس جمهور را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است: جناب حجت الاسلام آقای روحانی، رئیس جمهور محترم...

صفحه ۲

سه شنبه ۵ آذر ۱۳۹۸ • ۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۱ • ۲۶ نوامبر ۲۰۱۹



سیدابراهیم رئیسی:

## در دادگاه به جرم اغتشاگران رسیدگی می شود

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه گفت: افرادی که متأسفانه موجب ایجاد ناامنی و اغتشاش شدند، وضعیتشان مشخص خواهد شد و در دادگاه به جرم آنها رسیدگی می شود. حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی...

صفحه ۶

سال هفدهم • شماره ۳۵۸۱ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

### سرمقاله

## باشنه آشیل بنزین برای ایران

علیرضا سلطانی . کارشناس اقتصاد انرژی



شاید برای بسیاری، این سؤال مطرح باشد که برای کشوری چون ایران که دارنده بزرگترین ذخایر مجموع نفت و گاز دنیاست و قدمت صنعت نفت

آن به بیش از ۱۱۰ سال می رسد، چرا باید تأمین و عرضه بنزین و قیمت آن، به معضل دیرینه اقتصادی تبدیل شود؟ چرا این مسئله باید هرسال تنش های جدی در رابطه دولت- ملت ایجاد کند و با وجود توضیحات کارشناسان و اصحاب فن، اهمیت و حساسیت اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی آن در چندین دهه اخیر، نه تنها تغییری نکرده که افزوده هم شده است؟ چرا نمی توان مانند بیشتر کشورهای دنیا، نظامی منطقی، پایدار، اقتصادی و سودآور برای همه جامعه در حوزه سوخت و به طور خاص بنزین ایجاد و اجرا کرد؟ مسئله حمل و نقل در دوران فعلی و وابستگی بسیاری از فرایندهای اقتصادی و اجتماعی به سوخت و قیمت آن در همه کشورها و حتی کشورهای توسعه یافته امری بااهمیت است. حساسیت شدید دولت ترامپ به قیمت بنزین در آمریکا و تأثیر آن بر نتیجه انتخابات اخیر و همچنین جنبش معروف به جلیقه زدها در فرانسه، نمادی از این اهمیت است؛ اما سازوکارهای اقتصادی نهادینه شده در کشورهای مزبور، بروز مشکل را متوقف و حل آن را آسان و کم هزینه کرده است. در مقابل در کشورهایی مانند ایران، موضوع بنزین به مسئله و چالشی دائمی و مزمن تبدیل شده و با انباشته شدن مشکلات، حل مسئله سخت تر پیچیده تر و پرهزینه تر شده است. همه این شرایط ریشه در اقتصاد نفتی دارد؛ اقتصادی که شدت سیاسی، آسیب پذیر، ضد توسعه، ناکارآمد و مغایر با عدالت اجتماعی است. می توان اصطلاح «اقتصاد بنزینی» را برای بیان واقعیت ها و به عبارت دقیق تر مخاطرات و چالش های اقتصاد ایران، مطرح کرد. وابستگی شدید تحولات و روندهای اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی ایران به متغیری به نام بنزین، امری است که بارها امتحان شده و در ۱۰ روز اخیر نیز رخ نموده است؛ متغیر تعیین کننده خط و نشان و مسیر اصلی اقتصاد که حتی معیار و شاخصی برای سیاست گذاری ها و اقدامات در اقتصاد کلان است؛ مقوله ای که بیش از آنکه بر منطق و علم اقتصاد، الزامات و چارچوب های توسعه ای و مدیریت کارآمد و بهینه اقتصادی متکی باشد، بر مجموعه ای از متغیرها و انتظارات پوپولیستی و به بیان بهتر سیاسی مبتنی است. نگارنده از زمانی که به یاد دارد، (واسط دهه ۶۰) مسئله بنزین (قیمت و نحوه عرضه) دغدغه ای بزرگ برای دولت و مردم بود که هر سال و در طول ۳۰ سال گذشته به شیوه های مختلف در انتظارات عمومی و سیاست گذاری های کلان و البته متنوع و متضاد دولتی خودنمایی کرده است؛ زمانی عرضه کوپنی بنزین، زمانی دیگر عرضه آزاد توام با افزایش تدریجی قیمت، زمانی تثبیت قیمت با هدف پوپولیستی طرح تنفس، زمانی هم سهمیه بندی همراه با عرضه چند نرخ و نهایت زمانی عرضه بنزین به قیمت نیمه یارانه ای در قالب طرح هدفمندی یارانه ها. هدف غایب در همه این طرح ها و آزمون و خطاها ساماندهی نظام اقتصادی و تجاری بنزین در ایران بوده است. طرح هایی که با هزینه کلان و بالا اجرا شده و با توجه به روند تصاعدی افزایش مصرف دستاوردی جز نارضایتی و پایدار در حوزه مصرف و افزایش هزینه های تولید و عرضه بنزین در کشور، قاچاق گسترده به خارج از کشور و در کل مداوم و تشدید آسیب پذیری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نداشته است. اقتصاد بنزینی، فرزند اقتصاد نفتی است و بین آنها جدایی نیست.

ادامه در صفحه ۲

محمود حجتی مشاور رئیس جمهور شد

# سنت استعفا پیش از استیضاح

خروج یک اصلاح طلب دیگر از دولت

صفحه های ۲ و ۴



فرمانده سپاه در اجتماع میدان انقلاب تهران: مادر یک جنگ بزرگ جهانی هستیم

صفحه ۶

### یادداشت

## تبدیل مهاجرت به فرصت رشد ایران

دیگر باید بتواند اختلاف های خود با قدرت های جهانی را به گونه ای مدیریت کند که به تعامل و همکاری با دنیای خارج برسد. مدل های برنامه ریزی بلندمدت نیز عمدتاً وارداتی از کشورهای سوسیالیستی، سازمان ملل و بانک جهانی هستند. نکته ای که باید در اینجا مرکز توجه قرار گیرد، این است که برنامه ریزی بلندمدت متکی بر «پیش بینی» و تصویرسازی است. تصویرسازی در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یک کشور نباید تخیلی باشد؛ اما در جو التهاب زده فعلی سیاسی ایران، پیش بینی کردن و تنظیم برنامه بلندمدت ساده نیست. در این حالت باید به «امید» توسل جست. اگر زمینه رشد اقتصادی برای قشر تحصیل کرده فراهم شود، احتمال این وجود دارد که گروه بزرگی از ایرانیان مهاجر به تدریج به ایران برگردند. این امر مستلزم تقویت اقتصادی بخش خصوصی است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد خانواده های ایرانی متکی به حقوق دریافتی از اقتصاد دولتی هستند. یارانه ها هم از سوی دولت پرداخت می شود؛ در نتیجه درآمد دولت هنوز به دست نیامده، خرج می شود. چرخه تولید آن طور که باید وجود ندارد. راهکارهای بسیاری برای تقویت بخش خصوصی وجود دارد؛ کاهش حجم اقتصاد وابسته به حاکمیت، حرکت اقتصادی بخش خصوصی، تمهیدات لازم برای تشکیل هسته های تولیدی و خدماتی مرکب از ایرانیان مقیم ایران و مهاجران، تضمین لازم برای امنیت شغلی و سرمایه گذاری ایرانیان مقیم خارج بسیار مفید خواهد بود. فراموش نکنیم زرتشتیان مهاجرت کرده از ایران به هند، حتی پس از هزارو ۳۰۰ سال به زبان فارسی سخن می گویند و از موفق ترین قشرهای اجتماعی هند بوده و هستند.

انرژی های ارزان ساخته اند، به چند برابر قیمت به ما می فروشند. از سوی دیگر، مهاجران تحصیل کرده که در ایران امنیت شغلی ندارند، جذب غرب می شوند؛ نه اینکه به روسیه، چین و هند بروند، غرب هم با تک محصولی کردن اقتصاد ایران، همه ابزارهای لازم را برای قطع کردن جریان صادرات نفت خام ما به خارج کاسترو در کوبا و انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد. جنگ؛ در این موارد، مهاجرت در دو راستای درون کشوری و میان کشوری انجام می شود. مردم استان های مورد تهاجم صدام به استان های شرقی کشور از جمله خراسان پناهنده شدند. این پناهندگی موجب بروز کمبود در ارزاق عمومی و مسکن شد. آخرین حرکت تهاجمی مهاجرت هم اکنون از ویتنولا به برزیل است که حاصل ناراحتی های درونی و محاصره اقتصادی آمریکاست. مهاجران می توانند در کشور مبدأ و مقصد در اقتصاد، فرهنگ و آبادانی نقش بالقوه ای ایفا کنند. از دید اقتصادی، دلایل عمده مهاجرت از ایران کنونی به سایر کشورها را می توان در مواردی مانند افزایش جمعیت و برهم خوردن تعادل طبیعی میان امکانات و منابع، نبود کار مناسب و درآمد کم، فشار و محاصره اقتصادی خلاصه کرد. این فشار بر طبقه متوسط که درآمد ثابت دارند و دهک های پایین بیشتر است، در عین حال این رانت خواران هستند که از آن سود می برند؛ اما این مسئله ای نیست که نتوان آن را حل کرد. اشتباهات اقتصادی و وابستگی به اقتصاد نفتی، دلیل عمده آن است. نفت را به صورت خام و به یک سس ام قیمت فراوری شده به اقتصاد غرب تزریق می کنیم و درآمد حاصل شده را بلافاصله خرج می کنیم. آنها تولیدات خود را که با کمک همان

دوره قبل صاحب موقعیت های بالا بوده اند و سپس تحت تعقیب قرار می گیرند، برای حفظ جان خود، آنچه را دارند رها کرده و به کشوری دیگر می روند. از نمونه های روشن این مورد می توان به انقلاب بلشویکی روسیه، انقلاب مانو تسه توگ در چین، انقلاب فیدل کاسترو در کوبا و انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد. جنگ؛ در این موارد، مهاجرت در دو راستای درون کشوری و میان کشوری انجام می شود. مردم استان های مورد تهاجم صدام به استان های شرقی کشور از جمله خراسان پناهنده شدند. این پناهندگی موجب بروز کمبود در ارزاق عمومی و مسکن شد. آخرین حرکت تهاجمی مهاجرت هم اکنون از ویتنولا به برزیل است که حاصل ناراحتی های درونی و محاصره اقتصادی آمریکاست.

مهاجران می توانند در کشور مبدأ و مقصد در اقتصاد، فرهنگ و آبادانی نقش بالقوه ای ایفا کنند. از دید اقتصادی، دلایل عمده مهاجرت از ایران کنونی به سایر کشورها را می توان در مواردی مانند افزایش جمعیت و برهم خوردن تعادل طبیعی میان امکانات و منابع، نبود کار مناسب و درآمد کم، فشار و محاصره اقتصادی خلاصه کرد. این فشار بر طبقه متوسط که درآمد ثابت دارند و دهک های پایین بیشتر است، در عین حال این رانت خواران هستند که از آن سود می برند؛ اما این مسئله ای نیست که نتوان آن را حل کرد. اشتباهات اقتصادی و وابستگی به اقتصاد نفتی، دلیل عمده آن است. نفت را به صورت خام و به یک سس ام قیمت فراوری شده به اقتصاد غرب تزریق می کنیم و درآمد حاصل شده را بلافاصله خرج می کنیم. آنها تولیدات خود را که با کمک همان



احمد عظیمی بلوریان  
استاد پیشین دانشکده مریند

این روزها موضوع مهاجرت ایرانیان به کشورهای دیگر، زیاد مطرح می شود. در اطراف بسیاری از ما، افرادی هستند که بیش از گذشته مصمم به ادامه زندگی در فضا و بستر جدید هستند. دلایل مهاجرت از ایران و به طور کلی مهاجرت را می توان در موارد زیر خلاصه کرد.

نامنی و به هم ریختگی نظام اقتصادی و سیاسی در سرزمین های مبدأ؛ بهترین نمونه آن، مهاجرت میلیون ها افغانستانی به ایران و میلیون ها سوری به قاره های اروپا و آمریکاست.

معضلی به نام شغل: بهترین نمونه های آن مهاجرت شهروندان ترکیه و ایران به اروپا و آمریکا -به ویژه ایالات متحده- است. در مواردی مهاجرت در بلندمدت به سود مهاجران است. ترک ها در آلمان امروز یکی از فعال ترین نیروهای اقتصادی آن کشور هستند. ایرانی ها در ایالات متحده از کوشاترین، موفق ترین و سربلندترین مردم آمریکا هستند. لس آنجلس در کالیفرنیا را تهران تجلس می خوانند و فارسی از زبان هایی است که در شهر زیاد شنیده می شود.

رویدادهای طبیعی مانند سیل، زلزله و توفان های مرگبار؛ این رخدادها در همین دو، سه سال اخیر در همه قاره های جهان بروز کرده و بسیاری را راهی کشورهای دیگر کرده است.

تغییر رژیم های سیاسی و انقلاب ها؛ کسانی که در

## پرداخت کم اثر یارانه قدیم و جدید

حسین حقگو . کارشناس اقتصادی



«کسری بودجه» مهم ترین بیماری مزمنی اقتصاد ایران است؛ بیماری مزمنی که «تورم» بالا را در پی دارد.

این بیماری برآمده از ناکارآمدی سیاست دولت ها و میل آنها به خرج کردن هرچه بیشتر برای راضی نگه داشتن طبقات مختلف اجتماعی است. مشکل اما آنجا بروز می کند که به واسطه اتکای منابع دولت به دو سرچشمه اساسی «مالیات» و «نفت» که افزایش اولی مقبولیت اجتماعی ندارد و افزایش دومی هم وابسته به عوامل عمدتاً جهانی و بیرون از اقتصاد کشور است، این مسئله تکرار چرخه، کاهش درآمدهای دولت، کسری بودجه و تورم و افزایش فقر را به طور مستمر به دنبال دارد. مرکز آمار تورم یک ساله منتهی به آبان را ۴۱۱ درصد اعلام کرد. این رقم البته در استان های محروم چند درصد (گاه تا ۱۵ درصد) بیش از استان های نسبتاً مرفه تر است. اگر به این وضعیت تورمی، رشد منفی اقتصادی (سال گذشته منفی ۴٫۹ درصد و پیش بینی منفی ۹٫۵ درصدی صندوق بین المللی پول برای سال جاری میلادی) نیز افزوده شود که به معنای کاهش درآمد خانوارهاست (کاهش ماهانه ۹۰ هزار تومانی درآمد تک تک افراد جامعه بر اثر رشد منفی سال گذشته، دکتر نیلی، ۹۸/۹/۳)، آنگاه دشواری وضعیت معیشت مردم و به ویژه دهک های پایین درآمدی از یک سو و تأمین منابع مالی لازم برای افزایش بهره وری و اصلاحات ساختاری اقتصاد کشور از سوی دیگر به خوبی آشکار می شود. چنان که تاکنون حدود ۳۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه پرداختی نه فقط مشکلی را از فقر اجتماعی حل نکرده، بلکه وضع را دشوارتر کرده و بر شکاف بودجه ای دولت افزوده و «مصیبت» شده است. بالطبع با افزودن ۳۱ هزار میلیارد تومان هزینه پرداخت های جدیدی که وعده آن از سوی دولت داده شده و نام آن توزیع مبلغ حاصل از افزایش قیمت بنزین گذاشته شده است، به حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه قبلی (در مجموع ۷۳ هزار میلیارد تومان) کار برای دولت صعب تر نیز خواهد شد. اکنون ۷۸ میلیون نفر ماهی ۴۵ هزار تومان یارانه هدفمندی، ۶۰ میلیون نفر یارانه حمایتی و حدود ۳۵ میلیون نفر یارانه بنزین (بنا بر آمار، حدود ۴۳ درصد مردم اتومبیل دارند که به هر اتومبیل ۵۰ لیتر بنزین هزارو ۶۰۰ تومانی تعلقی می گیرد) دریافت می کنند. بر این اساس، میلیون ها هم وطن را می توان سراغ گرفت که هم یارانه نقدی و هم یارانه حمایتی و هم یارانه بنزین اتومبیل می گیرند (رقمی حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه).

ادامه در صفحه ۲

### برادر گرامی جناب آقای مهدی جوان بخت

مصیبت درگذشت خواهر گرامی تان را به جناب عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می کنم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندم.

مهدی رحمانیان

### برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی



۸۸۹۴۲۰۳۵

sharghdaily.ir

### خبر به وقت شرق



به

تلگرام شرق

پیوندید

@sharghdaily

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE  
@SHARGHDAILY.IR